

معیارهای سنجش ارزش‌ها از منظر علامه مصباح‌یزدی با رویکرد استنتاجی - تحلیلی

* سید احمد رهنما

چکیده

ارزش‌ها سلسله امور تجویزی هستند که مبتنی بر مجموعه‌ای از باورها با هدف عینیت بخشیدن به مفاد آن باورها تنظیم و ارایه می‌گردند. باورها به مثابه مبانی و ارزش‌ها به منزله بایدها و نبایدها در واقع دو رکن اصلی یک مکتب فکری بهشمار می‌روند. یکی از مسایل بنیادین در قلمرو ارزش‌ها کشف معیارهای سنجش مفاهیم ارزشی می‌باشد. مقاله حاضر با تمرکز بر انجام چنین رسالتی در صدد است ضمن مراجعه به آثار علامه مصباح‌یزدی، با روش توصیفی-تحلیلی و در مواردی نقلی - روایی با تکیه بر رویکرد استنتاجی، به هدف تبیین معیارهای مذبور از منظر علامه مصباح‌پرداز. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عناصری چون نظاممندی، اصالت، عقلانیت، پایداری، انتقال‌پذیری، عمق، همسویی با هدف آفرینش، استحکام، اشراف و لایت‌الهی و انگیزه‌مندی نمونه معیارهای سنجش ارزش‌ها از منظر علامه مصباح‌یزدی را بهشمار می‌روند. مجموعه آثار و در مواردی سیره رفتاری علامه مصباح‌یزدی از جمله ابزار و منابع این پژوهش خواهد بود.

واژگان کلیدی

ارزش، مفاهیم ارزشی، معیار سنجش، رویکرد استنتاجی - تحلیلی، علامه مصباح‌یزدی.

طرح مسئله

در بررسی حاضر، تنها با مروری بر نرم افزار مشکات ۲ حاوی مجموعه آثار گوناگون علامه مصباح، مشخص شد یکی از پر تکرار ترین واژگان در آثار ایشان واژه ارزش و مشتقات آن است. در این آثار، به طور پراکنده تعداد ۹۵۷۹ مورد در ۴۲۳۶ صفحه از ارزش و مفاهیم و معیارهای سنجش ارزش ها بحث بهمیان آمده است. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۴۰۰: واژه ارزش)

دامنه کاربرد واژه ارزش به قدری گسترده است که تقریباً در تمامی آثار استاد سخنی از آن در جریان است و با تأکید بر ارزش های اخلاقی، به برخی دیگر از ساحت های ارزشی نظیر ارزش های حقوقی و سیاسی نیز نظر دارد. این دامنه، نه تنها در ساحت نظر و اندیشه، بلکه در ساحت عمل و رفتار انسان نیز مستند به سلسله ارزش ها در ابعاد گوناگون ذکر شده می باشد. از این مجموع موارد، بالغ بر ۶۰۰ مورد در ۱۵۱ صفحه به مفاهیم ارزشی و از آن میان تعداد ۱۸۰ مورد در ۲۶ صفحه به بیان معیارهای سنجش ارزش اختصاص یافته است. این آمار نشان می دهد که بحث از معیار ارزش ها در نظر علامه مصباح بسیار با اهمیت تلقی شده است و از اعتبار و روایی خاصی برخوردار می باشد. اعتبار اینجا یعنی اینکه موضوع معیار سنجش ارزش ها به خودی خود ارزش تجزیه و تحلیل را دارد و روایی در اینجا یعنی اینکه چنین موضوعی دارای قابلیت و ارزش کاربردی نیز می باشد.

اینکه منشأ انتزاع ارزش ها چیست و چگونه پدیدار می گردند و به چه سمت و سویی نظر دارند، نمونه پرسش هایی هستند که بخشی از این مقاله متصدی پاسخ به آنها از نگاه علامه مصباح است. بخش دیگر و البته کلیدی ترین مبحث مقاله به تبیین معیارهای سنجش ارزش ها از همین منظر، در دسته بندی دوگانه عقلی و نقلی با رویکرد استنتاجی - تحلیلی اختصاص یافته است. رویکرد استنتاجی از این بابت مورد استفاده قرار گرفته است که علامه مصباح در هیچ یک از آثار خود یکجا به طور متمرکز معیارهای سنجش ارزش ها را مورد بحث و بررسی قرار نداده است. پراکنده ای موارد ضرورت بهره برداری از رویکرد استنتاجی را ایجاب می کرد.

رویکرد استنتاجی - تحلیلی اقتضا می کند نویسنده دست کم با مروری بر تمامی آن دسته از آثار علامه مصباح که مصطلحات و مفاهیم ارزشی را مورد بحث و بررسی قرار داده اند نسبت به پاسخ پرسش های فوق اقدام کند و از طریق برنهاده سازی فروع بر اصول و ارزش ها بر مبانی، معیارهای موردنظر سنجش ارزش ها را استنتاج و تجزیه و تحلیل نماید. بدین ترتیب، تعیین خط سیر این بحث و بررسی در اصل منوط به استخراج مفاهیم ارزشی و تشخیص و تحلیل معیارهای سنجش ارزش ها از

مجموعه آثار نوشتاری و گفتاری استاد علامه مصباح‌است.

مروری بر آثار علامه مصباح و پیشینه تحقیق زمینه را برای استنباط و درک و دریافت معیارهای سنجش ارزش‌ها در ساحت‌های گوناگون ارزشی و توصیف و تجزیه و تحلیل آنها فراهم می‌آورد. در این راستا، روش تحقیق روشی توصیفی - تحلیلی و در مواردی نقلی - روایی می‌باشد. ابزار و منابع تحقیق بهنوبه خود مجموعه آثار نوشتاری و صوتی و تصویری آن استاد فرزانه خواهد بود.

این پژوهش نشان خواهد داد که براساس آثار علامه مصباح، نظام ارزشی موردنی و باور جامعه پشتوانه اصلی برای تعیین معیارهای سنجش مفاهیم ارزشی تلقی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که نمونه معیارهای عقلی سنجش ارزش‌ها در هر نظام فکری از جنبه نظری و عملی عبارتند از: اصالت ارزش‌ها، واقعیت عینی ارزش‌ها، پایداری ارزش‌ها، انتقال‌پذیر بودن ارزش‌ها و عمق و شدت ارزش‌ها در تطابق و سازواری ارزش‌ها با باورها. از سوی دیگر، براساس یافته‌ها، هماهنگی ارزش‌ها با هدف آفرینش، استناد‌پذیری ارزش‌ها به محکمات قرآن، تناسب ارزش‌ها با التزام به ولایت الهی، رابطه ارزش‌ها با ایمان و عمل صالح و انگیزه‌مندی ارزش‌ها برای قرب الهی ازجمله کلیدی‌ترین معیارهای نقلی سنجش ارزش‌ها از منظر درون دینی به‌شمار می‌روند.

۱. پیشینه پژوهشی

با جستجویی که به عمل آمد مشخص گردید تعداد قابل‌توجهی از آثار نوشتاری شامل کتب و پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی به صورت اجمالی و عام و یا به نحوی کلی به بررسی ارزش از منظر علامه مصباح اختصاص یافته است. هرچند تاکنون در این رابطه بحث‌های مفیدی در باب ارزش و ارزش‌گذاری توسط پژوهشگران تنظیم و ارایه گردیده است؛ لیکن تا آنجا که اطلاعات نویسنده ایجاب می‌کند حتی به یک مورد هم برخورد نشد که پژوهشگری به طور خاص موضوع معیار سنجش ارزش‌ها و یا موضوعی مشابه و یا نزدیک به آن را از نگاه و اندیشه علامه مصباح مورد بررسی قرار داده باشد. مروری بر آثار منتخب زیر تا حدودی گواه این مدعاست:

- ترکاشوند، احسان، ۱۳۸۶، تحلیل و بررسی منشأ ارزش اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبائی و استاد

آیت‌الله مصباح‌یزدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

این پایان‌نامه، ضمن پرداختن به مفهوم‌شناسی ارزش و انواع آن، منشأ ارزش اخلاقی از دیدگاه استاد مصباح را در مقایسه با دیدگاه علامه طباطبائی مورد بحث و بررسی قرار داده است، بدون اینکه سخنی در رابطه با معیارهای سنجش ارزش‌ها بهمیان آورد. (ر.ک: ترکاشوند، ۱۳۸۶: ۱۶ - ۱۲ - ۹۵)

- جان نشاری، حسن، تابستان ۱۳۹۱، چیستی و مبانی کمال نهایی انسان از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

در این پایان‌نامه نیز، بدون التفات به معیار سنجش ارزش‌ها، از اموری چون قرب الهی، لذت و کمال و سعادت، واقع‌نمایی گزاره‌های اخلاقی، واقع‌گرایی در اخلاق، ضرورت بالقياس علی در بیان رابطه مابین فعل و هدف اخلاق، ارزش ذاتی کمال اختیاری انسان، تأثیر نیت در ارزش فعل و ایمان به خدا و نبوت و معاد به منزله حداقل ارزش و ... بحث بهمیان آمده است. (ر.ک: جان نشاری، ۱۳۹۱: ۲۳ - ۴۳، ۴۱ - ۵۷، ۵۵ - ۱۵۸ - ۱۴۹)

- ذوالفاری، محمد، بهمن ۱۳۹۲، فلسفه سیاسی علامه مصباح‌یزدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

در این پایان‌نامه، بدون حتی اشاره به معیار سنجش ارزش‌ها، در توصیف ارزش، ویژگی‌های مهمی چون واقع‌گرایی معرفتی، مطلق‌گرایی، اعتدال، توحید محوری، شمول و جامعیت، قابلیت تبیین عقلانی و منطقی، حسن فعلی و فاعلی، هماهنگی نظام حقوقی و سعادت بهمثابه غایت نهایی نظام ارزشی ازجمله اموری است که مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. (ر.ک: ذوالفاری، ۱۳۹۲: ۳۱ - ۶۹ - ۶۷)

- کاظمی، حمیدرضا، ۱۳۹۳، برنامه درسی و تربیت اخلاقی با تکاھی بر آثار علامه مصباح‌یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

نویسنده، آن‌گونه که خود در مقدمه بیان داشته، کوشیده است «با مراجعه به مباحث گفتاری، نوشتاری و رفتاری علامه مصباح، مبانی، اصول و شیوه‌های تربیت اخلاقی را استخراج و استنباط کرده، تصریحاً یا تلویحاً تحت عنوان مینا، اصل یا روش قرار دهد». (کاظمی، ۱۳۹۳: ۲۱) وی بدین ترتیب، فصل دوم از بخش دوم کتاب را به بیان «ملاک‌های فعل اخلاقی» اختصاص داده است و در همین رابطه به تبیین ملاک‌هایی چون حسن فعلی، حسن فاعلی، اختیار، معرفت، توجه به نظارت دائم خداوند، وصول به کمال مطلوب و نهایی، آگاهی و انتخاب آگاهانه و بینش و ایمان پرداخته است. (ر.ک: همان: ۹۳ - ۸۶)

- مصباح، مجتبی، ۱۳۹۹، تحلیل ارزش اخلاقی از منظر استاد مصباح‌یزدی، در جوامع‌ای از کوثر مصباح: مروری بر آندیشه‌های علامه مصباح‌یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

در این مقاله از موضوعاتی چون تحلیل مفهوم ارزش، ارزش ذاتی و غیری، غایی و ابزاری، تعیین مصدق ارزش، مصدق ارزش ذاتی، مصدق کمال انسان، مراتب ارزش اخلاقی و ... بحث بهمیان

آمده است (ر.ک: مصباح، ۱۳۹۹: ۲۰۹ - ۲۰۳). نویسنده تنها در حد دو سطر راجع به راه تشخیص ارزش اخلاقی اظهار داشته است: «ازش اخلاقی افعال تابع تأثیری است که در کمال انسان، یعنی قرب به خدا دارند. برای تشخیص ارزش اخلاقی سه راه عمدۀ وجود دارد که به مجموع آنها نیاز داریم: عقل، تجربه و وحی». (همان: ۲۱۱ - ۲۱۰)

همان‌گونه که مشاهده شد به جز کتاب برنامه درسی و تربیت اخلاقی با نگاهی بر آثار علامه مصباح‌یزدی، نوشته کاظمی - آن هم با اختصار و محدود به مستوای ارزش‌گذاری افعال اخلاقی - سایر آثار هیچ‌کدام به بیان و بررسی معیارهای سنجش ارزش‌ها نپرداخته است. بدین‌ترتیب، با نبود بحث مستقل و جامعی در خصوص معیارهای سنجش ارزش‌ها از منظر علامه مصباح، در اهمیت و ضرورت پرداختن به پژوهش حاضر تردیدی باقی نخواهد ماند.

۲. مفاهیم ارزشی؛ بایدّها و نبایدّها

قبل از بررسی معیارهای سنجش مفاهیم ارزشی، برداشت روشی از این سنخ مفاهیم هرچند به طور اختصار لازم به نظر می‌رسد. انسان‌ها در ساحت‌های مختلف زندگی همواره با دو دسته از مفاهیم سر و کار دارند. دسته‌ای از مفاهیم مربوط به هستی‌ها و نیستی‌ها و بیان آنچه هست و آنچه نیست می‌باشدند. دسته‌ای دیگر از مفاهیم مربوط به بایدّها و نبایدّها مبتنی بر هستی‌ها و نیستی‌ها و بیان آنچه باید و آنچه نباید، هستند. از باب مثال گزاره‌هایی چون خدا هست و شریکی برای او نیست، جهان هدفمند آفریده شده است و بیهوده خلق نگردیده است، سعادت بشر در گرو پیروی از حق است و شقاوت او در اطاعت از باطل و نظایر آن تفسیر مفاهیم دسته اول است. از طرف دیگر، جملات انشایی چون باید خدا را پرستید و نباید نافرمانی او کرد و یا باید به راه سعادت رفت و نباید مسیر شقاوت پیمود و نظایر آن بیانی از مفاهیم دسته دوم به شمار می‌روند.

به بیانی دیگر، مفاهیمی را که ما به کار می‌گیریم، گاه درباره چیزهایی است که هست و موجود است و گاه درباره چیزهایی است که می‌گوییم باید چنین شود یا نباید چنان شود. مفاهیمی را که در بطن معنای آنها «باید» و «نباید» است، مفاهیم ارزشی می‌گویند. کار خوب کدام است؟ کاری است که باید انجام داد. کار بد کدام است؟ کاری که نباید انجام داد. صلاح چیست؟ چیز شایسته‌ای است که باید در پی آن بود. فساد چیست؟ چیزی که باید جلوی آن را گرفت یا نباید آن را انجام داد. صلاح و فساد دو مفهوم ارزشی هستند؛ یعنی وقتی آنها را تحلیل کنیم، در آن‌ها باید و نباید وجود دارد. (مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۲: ۱۲۷ - ۱۲۸)

از میان مفاهیم ارزشی، برخی از مفاهیم منوط به شرایط و محدود به زمان، مکان، قوم، جامعه و نظام ارزشی - فرهنگی خاصی می‌باشد، درصورتی که برخی دیگر فارغ از هر شرایط و اقتضائات، مکان، زمان، جامعه و نظام ارزشی دارای ارزش عام فطری و نفس‌الامری هستند. با تأمل در دو مورد مثال زیر می‌توان به تفاوت مابین این دو دسته از مفاهیم پی‌برد:

از نظر اسلام دروغ گفتن در شرایطی که به اصلاح بین دو نفر بیانجامد جایز است. (خوب و بد بودن دروغ منوط به شرایط و موكول به اقتضائات ویژه و نظام ارزش خاص است). «ملاک صدق و کذب در چنین قضایایی، مطابقت و عدم مطابقت آنها با مدارک و منابع اخلاقی و حقوقی است و راه شناختن آنها هم مراجعته به منابع مربوط به نظام معین است و مثلاً راه شناختن قواعد اخلاقی و حقوقی اسلام، مراجعته به کتاب و سنت می‌باشد». (صبح‌الیزدی، ۱۳۹۸: ۲۴۶)

باید به عدالت رفتار کرد و از ظلم و ستم پرهیز نمود. (خوب بودن عدالت و ضرورت عمل بر وفق عدالت و در مقابل بد بودن ظلم و ستم و ناروا بودن عمل بر پایه ظلم از جمله مفاهیم فراگیر فطری است که در هیچ فرهنگ و از نظر هیچ نظام ارزشی محدودیت بردار نیست، بلکه به صورت فطری تمامی آحاد بشری به آن باور دارند. «ملاک صدق و کذب و صحت و خطا در قضایای اخلاقی و حقوقی، تأثیر آنها در رسیدن به اهداف مطلوب است؛ تأثیری که تابع میل و رغبت یا سلیقه و رأی کسی نیست و مانند سایر روابط علی و معلولی، از واقعیات نفس‌الامری است»). (همان: ۲۵۰)

گرچه در بیان فوق، صحبت از قضایای اخلاقی و حقوقی به میان آمده است، لیکن بدیهی است که چنین تعریفی اختصاص به این دو دسته از ارزش‌ها ندارد. در هر صورت، مفاهیم ارزشی «گاه بسیار وسیع است و همه کارهای خوب یا همه کارهای بد را در بر می‌گیرد. به مفاهیمی که همه کارهای خوب یا همه کارهای بد را در بر می‌گیرند، مفاهیم ارزشی عام گویند». (صبح‌الیزدی، ۱۳۸۲: ۱۲۸)

۳. نظام ارزشی - فرهنگی پشتونه نظری معیارهای سنجش ارزش‌ها

درواقع، باورها به مثابه مبانی و ارزش‌ها به منزله اصول دو رکن اصلی یک جریان و یا یک نظام ارزشی - فرهنگی به‌شمار می‌رond. ارزش‌ها هنگامی به درستی ارزیابی و سنجش خواهند شد که بتوان معیارهای اصیل، معتبر و قابل قبولی را در موردشان به کاربست و بر پایه باورها، درستی و نادرستی و حق و باطل بودن آنها را تشخیص داد.

درواقع اصالت و اعتبار ارزش‌ها وابسته نظام ارزشی اصیلی است که بر حقیقت استوار است. در یک جامعه دینی از باب نمونه، ما با دو گونه ارزش و ارزش‌گذاری مواجهیم: گونه اول ارزش‌های ثابت و

تغییرناپذیری هستند «که از باورهای دینی سرچشمه می‌گیرند». (مصطفی‌یزدی، ۱۳۹۱ ب: ۱۵۳ / ۳) در مقابل، گونه دوم شامل آن دسته از ارزش‌های ملی و آداب و رسوم قومی و قراردادهای اجتماعی هستند که یک جامعه دینی از دیرباز به آنها ملتزم بوده و هست به نحوی که جزو فرهنگ آن جامعه بهشمار رفته است. گاه چنین ارزش‌هایی حتی «فریبتر از صرف ارزش‌های دینی تعریف می‌شوند.» این دو گونه ارزش‌ها تابعی از نظام ارزشی حاکم هستند هر چند که «اساساً از دو خاستگاه متفاوت نشأت گرفته‌اند.» به وضوح مشخص است «که تغییر در دسته دوم گزندی به ارزش‌های ثابت و غیرقابل تغییر نمی‌رساند». (همان)

برپایه نظام ارزشی - فرهنگی است که یک فعل اخلاقی از باب نمونه فضیلت و یا رذیلت و یا خنثی شمرده می‌شود. به تعبیری، چنانچه فعل اخلاقی در رساندن انسان به کمال و سعادت حقیقی وی نقش و تأثیر مثبت داشته باشد، آن فعل دارای ارزش مثبت است و فضیلت خوانده می‌شود. اما چنانچه آن فعل انسان را از کمال و سعادت حقیقی باز دارد، آن فعل دارای ارزش منفی است و رذیلت خوانده می‌شود. در صورتی که فعل اخلاقی هیچ نقش و اثر مثبت یا منفی در رساندن انسان به کمال مطلوب و یا بازداری وی از رسیدن به کمال مطلوب نداشته باشد، آن فعل خنثی تلقی خواهد شد.

(مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۴: ۳۲۸)

در موارد گوناگونی از آثار علامه مصباح بر تابعیت مفاهیم ارزشی نسبت به نظام ارزشی تأکید شده است. از مباحثی که به عنوان نمونه مرتبط با ارزش‌های ناشی از فرهنگ عاشورا طرح گردیده است به دست می‌آید که مفاهیم ارزشی نمی‌توانند با معیار تجربی عینی سنجیده شوند. مفاهیم ارزشی در واقع «تابع دستگاه و نظام ارزشی هستند.» بنابراین، داوری در مورد اینکه چه کاری خوب شمرده می‌شود و چه کاری بد، به نظام ارزشی و فرهنگی حاکم بر جامعه بستگی تمام دارد. باید دید آن نظام ارزشی چه چیزی را خوب و چه چیزی را بد می‌شناسد و چه معیاری برای سنجش خوب و بد و شایسته و ناشایست دارد؟ (مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۲ الف: ۱۲۸)

این نظام ارزشی است که بهای اشخاص و هر آنچه بدان وابسته است را تعیین می‌کند. از باب مثال، گفته می‌شود: «در نظام ارزشی اسلام، انسان بما انه انسان، یعنی انسان‌های منهای فکر و اعتقاد، ارزشی ندارند. در نظام ارزشی اسلام، انسان ... با داشتن جهان‌بینی و ایدئولوژی صحیح، یعنی

۱. کتاب آذرخشی دیگر از آسمان کربلا محصل مجموعه سخنرانی‌های استاد علامه مصباح در حسینیه شهدا قم، محرم ۱۴۲۱ (فروردين ۱۳۷۹)، می‌باشد. در این اثر واژه ارزش ۹۸ مرتبه ذکر شده است.

اسلام و ایمان به خدا، ارزش انسانی پیدا می‌کند؛ یعنی در صورتی که از جهت اعتقادات و ارزش‌ها متصل و مرتبط با خدای جهان بشود». (صبح‌یزدی، ۱۳۹۱ ج: ۴۱۲ – ۴۱) در این میان، هر نظام ارزشی - فرهنگی که ریشه در حقایق داشته باشد و با فرهنگ آرمانی و کمال مطلوب انسانی سازگارتر باشد، از اعتبار بیشتری برخوردار خواهد بود. (ر.ک: صبح‌یزدی، ۱۳۹۱ د: ۱۶۶)

از باب نمونه، وحدت مسلمانان یکی از عالی‌ترین ارزش‌هایی است که اسلام برآن اصرار می‌ورزد. نظام ارزشی - فرهنگی اسلام و قوانین اسلامی برگرفته از آن معیار این وحدت به‌شمار می‌رود. همچنین کسی که متولی نظام ارزشی - فرهنگی است و به امضا و اعتبار او قوانین اسلامی به اجرا گذاشته می‌شود نه تنها معیار وحدت مسلمین است بلکه ضامن اجراء قوانین اسلامی نیز هست. قرآن می‌فرماید: «أَنْ أَفِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ؛ دِينُ رَا معيار قرار بدھید و پیرامون آن وحدت داشته باشید». (شوری / ۱۳؛ صبح‌یزدی، ۱۳۸۲ الف: ۲۱۶)

بنابراین، در همین راستا، دو ملاک ممکن است مطرح شود که بازگشت هر دو به یک چیز است؛ در بخش قوانین، «احکام اسلام» و در بخش اجرا «ولی فقیه» ملاک وحدت است. برای کسانی که بخواهند واقعاً دین در جامعه به‌دست کسی که مأذون از طرف امام زمان ﷺ است اجرا شود، این دو ملاک، مهم است: حاکمیت قوانین اسلام به‌دست ولی فقیه؛ این می‌تواند معیار وحدت باشد.

اختلاف سلیقه‌ها زیاد است و هیچ گاه هم برداشته نخواهد شد، شیوه‌های رفتاری مختلف است، روش‌هایی پیاده کردن اهداف هیچ گاه واحد نخواهد بود، اما این دو مورد می‌تواند ملاک وحدت جامعه باشد: همه بخواهند اسلام جاری شود و همه بخواهند که احکام اسلام به‌دست کسی پیاده شود که اولاً اسلام شناس‌تر از دیگران - به خصوص در مسائل اجتماعی - باشد، و ثانیاً از طرف خدای متعال و اولیائی دین مأذون باشد، تا غاصب نباشد. حالا اگر به ولایت فقیه تمسک کردید، طبعاً اسلام هم هست، چون ولی فقیه که به غیراسلام حکم نمی‌کند. پس می‌توانیم بگوییم براساس محور ولایت فقیه، وحدت حاصل می‌شود. (همان)

به بیانی که گذشت روشن شد که در یک جامعه اسلامی که مسلمانان بناست به ارزش‌های اسلامی ملتزم و وفادار باشند، نظام ارزشی و فرهنگی اسلام پشتونه بنیادین نظری برای سنجش مفاهیم ارزشی خواهد بود. در این صورت، آنجا که قرآن می‌فرماید: «أَصْلِحُوا» (انفال / ۱ و حجرات / ۱۰ – ۹) و یا فرموده است: «لَا تُفْسِدُوا» (بقره / ۱۱ و أعراف / ۵۶، ۸۵)، منظور إصلاح و إفساد از منظر نظام ارزشی قرآن است. به عبارتی، «ملاک ارزش، برخاسته از تفکر توحیدی و پرهیزگاری

است. خدای جهان یکی است و به همه بندگانش به‌طور یکسان می‌نگردد، تا وضع خود را تغییر دهد. هر کس تقوای بیشتری دارد، نزد پروردگارش عزیزتر است». (مصطفی‌الله مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف: ۱۰۹) بر پایه چنین پستوانه نظری، معیارهای سنجش ارزش‌ها را می‌توان به شرح پیش‌رو با عنایت به دو سخن بودن معیارها در دو رده عقلی و نقلی تنظیم کرد و ارایه داد.

۱-۳. معیارهای عقلی سنجش ارزش‌ها

۱-۱-۳. اصالت ارزش‌ها معیار استعلای ارزش‌ها

به آن دسته از ارزش‌هایی که هدف اعلای سلسله ارزش‌ها قرار می‌گیرند و به هیچ‌وجه و تحت هیچ شرایطی از ارزش آنها کاسته نمی‌شود، ارزش‌های اصیل گفته می‌شود. نعمت‌های خدادادی چه همسر و فرزند و خانمان و چه دارایی‌ها و ثروت و مقامات و منزلت‌ها همه هنگامی ارزشمند به معنای واقعی کلمه بهشمار می‌روند که زمینه‌ساز گسترش معرفت الهی و پرستش و بندگی خداوند باشند و گرنه به خودی خود جز منفعت و لذت مادی ارزشی اصیل نخواهند داشت. اینها به هدف رسیدن به ارزش‌های اصیلی چون مقام بندگی خداوند و قرب الهی، از ارزش و اعتبار برخوردار می‌گردند. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج: ۲ / ۶۷)

در مثال دیگر، حب ذات به خودی خود از این لحاظ که امری غیراختیاری است ارزشگذاری اخلاقی نمی‌شود، اما چنانچه وسیله و راهی شد برای محبت خدا، از این لحاظ که خدا دوستی در آن مستتر است ارزش‌یابی می‌شود و به واسطه محبت اصیل الهی ارزش تلقی خواهد شد. (ر.ک: همان، ۷۰ - ۷۶) حتی مطلوبیت ارزش‌هایی نظیر مروت، انصاف، صداقت و نظایر آن در مقایسه با ارزش اصیلی چون سیر الى الله وسیله‌ای و ابزاری است. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۲۳۲)

از این‌رو باید پذیرفت که رفتارهای اخلاقی از دیدگاه اسلام ارزش وسیله‌ای دارند؛ به عبارت دیگر، میزان ارزش هر عملی وابسته به میزان کمک آن در رسیدن به قرب الهی است. افعالی که انسان را در این مسیر یاری می‌دهند از جهتی به دو دسته: عبادات‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند، اما دسته‌ای دیگر را نیز می‌توان بر این دو افزود و آن هم ارزش‌هایی است که از حد نصاب ارزش و مطلوبیت در دستگاه ارزشی اسلام برخوردار نیست، بلکه ارزش آنها فقط در این حد است که آدمی را در مسیر صحیح یاری می‌دهند. این رفتارها نیز در عین اینکه از حد نصاب مطلوبیت برخوردار نیستند از آن‌جهت که زمینه را برای سیر انسان آماده می‌کنند به نوعی ارزشمندند. (همان، ۲۳۱)

۲-۱-۳. برخورداری ارزش‌ها از ریشه عقلانی و عینی معیاری برای استحکام ارزش‌ها

از منظر نظام ارزشی اسلام، ارزش‌ها هنگامی به ثبات و کمال می‌رسند که از منشاً واقعی عینی و

عقلانی سر زده باشد و نه از پسند و ناپسند و ذوق و خواست و سلایق افراد، بدین ترتیب، تفاوتی نمی‌کند افراد گرایش به امری یا دیدگاهی داشته باشد و یا نداشته باشد، درمورد چیزی یا مطلبی داوری و ارزیابی بکنند یا نکنند. در هر صورت ارزش‌ها به دور از پسند و ناپسند و میل و بی‌میلی و گرایش مثبت و منفی افراد به قوت خود باقی هستند.

برخلاف فرهنگ حاکم بر غرب که براساس آن تمامی ارزش‌ها - خواه اخلاقی و خواه اجتماعی و یا خواه حقوقی و خواه سیاسی و یا هر قلمرو دیگری - صریف اعتبارند و تابع خواست و پسند و ناپسند و سلیقه افراد. از این زاویه، «نمی‌شود گفت که چیزی و اعتقاد و باوری برای همیشه و برای همه دارای ارزش است. بلکه به نظر غربی‌ها مدامی که جامعه آن را می‌پذیرد، ارزشمند است و اگر روزی سلیقه مردم تغییر کرد، همان ارزش تبدیل به خود ارزش می‌گردد». (مصطفی‌یزدی، ۱۳۹۶، الف: ۲۶۰) افزون بر این، فلاسفه فردگرای غرب، «اعتقادات و باورهای دینی را نیز در شمار همان ارزش‌های اعتباری قرار می‌دهند و فرد را در گزینش آنها و یا طرد آنها آزاد می‌بینند و آنها را در حد یک سلیقه تنزل می‌دهند». (همان)

۳-۱-۳. پایدار بودن ارزش‌ها معيار تغييرناپذير بودن ارزش‌ها
 پایداری ارزش‌ها در برابر جریان ناپایدار ارزش‌ها معياری دیگر برای سنجش ارزش و ارزش‌گذاری دانسته شده است. (مصطفی‌یزدی، ۱۳۹۱، الف: ۵۵، ۵۰) بر پایه چنین معياری، خردمند ارزش‌باور، کسی است که «در دو راهی منافع شخصی و مصالح دینی، ارزش‌های الهی را بر آن امور موقت و زودگذر ترجیح» می‌دهد، به این معنا که «[ارزش‌های ناپایدار مادی، شهرت‌های علمی و اجتماعی، حتی از نوع مثبت آن، برایش جلوه‌ای] نخواهد داشت. (همان: ۵۰) از این منظر «سعادت‌ها»، از باب نمونه به مثابه مقاهم ارزشی، «گاه موقت‌اند و حداکثر تا زمان مرگ آدمی پایدارند؛ مانند تشکیل خانواده‌ای خوب، زندگی راحت و محبوبیت اجتماعی. اما سعادتی ارزشمند است که در روح انسان باقی بماند. ایمان به خدا، اعتقاد درست، اندیشه عالی و معرفت و بصیرت عمیق بدون واسطه سعادت‌آفرین‌اند». (همان: ۱۳۴، ۶۲)

از منظر نظام ارزشی اسلام، ارزش‌هایی اسلامی هستند که تغییرناپذیر و مستقر و پایدار باشند، در غیر این صورت، تفاوتی بین ارزش‌های اسلامی از یک طرف و ارزش‌های سکولار از جانب دیگر نخواهد بود. در دنیای سکولار و گریزان از اسلام، داوری درمورد ارزش‌ها تابع خواهش‌ها و گرایش‌های فردی و اجتماعی و یا قراردادهای متغیر و مقطوعی در قلمروهای گوناگون زندگی است؛ روزی رفتاری ارزش است و روز دیگر ضدارزش و برعکس.

بدین ترتیب، روشن است که اگر نظام ارزشی اسلام قراردادی، آن هم از نوع متغیر آن باشد که تابع تغییر شرایط زمانی و مکانی است، نمی‌توان ادعا کرد که اسلام، نظام ارزشی دارد. رفتاری که امروز ارزش و فردا ضدارش است به اسلام ارتباط ندارد. تنها زمانی می‌توان ادعا کرد اسلام نظام ارزشی دارد که این پیش‌فرض را بپذیریم که ارزش‌های اسلامی تغییرناپذیرند، اگر بنا باشد امری متغیر باشد، چگونه می‌توان فهمید که در کدامین حالت (ارزش یا ضدارش) از اسلام محسوب می‌شود و اگر در تمامی حالات، آن را خوب بپنداشیم، پس بین اسلام و کفر چه تفاوت و فاصله‌ای است؟ (مصطفی‌الله یزدی، ۱۳۹۴، الف: ۲۶۵)

دلیل اینکه قرآن از باب نمونه انسان‌ها را به توشیه برداشتن برای زندگی اخروی تشویق می‌فرماید همین است که زندگی اخروی در مقایسه با زندگی فناپذیر دنیوی جاودانه و پایدار است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج: ۱۷۰ – ۱۶۹)

۱-۳-۴. انتقال‌پذیر بودن ارزش‌ها معیاری برای ترویج و گسترش ارزش‌ها
مانایی و پویایی ارزش‌ها تا حدود زیادی به رسانا بودن و انتقال‌پذیر بودن ارزش‌ها بستگی تمام دارد.
در واقع، ارزش‌ها در نگرش اسلامی «وسیله‌ای برای انتقال ارزشمندترین مواهب الهی به افراد و
جوانع هستند». (ر.ک: همان، ۱۳۹۱، الف: ۱۶)

از این جنبه که ترویج ارزش‌ها رسالت مشترک عالمان دین است. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ق: ۲۱۱ – ۲۰۹) باید باور داشت که ارزش‌ها از قابلیت انتقال‌پذیری و رواج‌یافتنگی برخوردار هستند و در این راستا بیش از همه دولت اسلامی باید نسبت به ترویج و گسترش شعائر الهی اهتمام ویژه بورزد و از هرآنچه موجب ترویج و تقویت فرهنگ و شعائر کفرآمیز است جلوگیری به عمل آورد. (مصطفی‌الله یزدی، ۱۳۹۴، ب: ۲۱۱) انتقال ارزش‌ها صرفاً انتقال مفاهیم به اذهان مخاطبان نیست، بلکه افزون بر این، انتقال ارزش باید در روح و روان آنان تأثیر گذارد و به زندگی‌شان جهت دهد. (مصطفی‌الله یزدی، ۱۳۹۱، الف: ۶۴)

۱-۳-۵. عمق و شدت و کیفیت ارزش معیار برتری ارزش
ارزش‌ها هر اندازه عمیق‌تر باشند و از کیفیت عالی تر برخوردار باشند، از منظر نظام ارزشی اسلام مطلوب‌تر خواهند بود. اساساً، مطلوبیت یک ارزش علاوه بر سایر ویژگی‌ها، به میزان شدت و عمق و کیفیت ارزش‌ها نیز بستگی دارد. انسان به حکم فطرت نه تنها جویای ارزش‌های پایدار و ماندگار است، بلکه از جنبه کیفی نیز در جستجوی ارزش‌های قوی و عمیق نیز می‌باشد.

قرآن در مقایسه مابین زندگی دنیوی و اخروی از باب مثال علاوه بر ویژگی ماندگاری و پایداری لذت‌های آخرت نسبت به لذت‌های دنیا، به ویژگی کیفیت برتر لذایذ زندگی اخروی تصریح کرده، می‌فرماید: «وَالآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى»، (أعلى / ۱۷) و جهان دیگر بهتر و پایدارتر است. پیرو این آیه «کیفیت و دوام» دو معیار اساسی برای برتری لذت‌های اخروی بهشمار می‌روند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد واژه «خیر» در این‌گونه آیات اشاره به همین شدت بیشتر و کیفیت بالاتر و خلوص آن از آلام و رنج‌هاست. بنابراین، آیه فوق و آیات مشابه آن با همه ایجاز و کوتاهی به همه معیارهای گزینش و ترجیح، اشاره کرده‌اند. (صبح‌یزدی، ۱۳۹۱ ج: ۱۷۰ - ۱۶۹)

۲-۳. معیارهای نقای سنجش ارزش‌ها

۱-۲-۳. هماهنگی با هدف کلی آفرینش معیار کمال‌یافتنی ارزش‌ها

برای هر عمل اختیاری در هر ساحتی آرمان و هدفی در نظر گرفته می‌شود «که فوق همه آنها کمال نهایی در سایه قرب به خدای متعالی است. هرگاه این هدف، انگیزه رفتار انسان واقع شود، خواه رفتار فردی باشد و خواه اجتماعی، دارای ارزش اخلاقی خواهد شد». (صبح‌یزدی، ۱۳۹۱ ز: ۱ / ۲۵۰) افزون بر این، التزام به چنین ارزشی عالی‌ترین نوع لذت را در کام انسان مقرب به درگاه خدا می‌چشاند که برتر از آن نمی‌توان لذتی یافت. در حقیقت، لذت انس با خدا و کسب قرب و منزلت در پیشگاه الهی نیز در کنار نوع اول، لذت‌هایی انسانی است؛ بلکه لذات انسانی همین نوع است، زیرا نوع اول در حیوانات هم یافت می‌شود. ولی این تفاوت بارز را با آنها دارد که همانند آنها خودبه‌خود و به‌طور طبیعی استعداد درک آنها در انسان شکوفا نمی‌شود، بلکه عوامل خارجی و تلاش‌های انسانی در شکفتن آنها نقش اساسی دارند. (صبح‌یزدی، ۱۳۹۲: ۲۵۲)

در جهت‌گیری فعالیت‌های روزمره، برخی از فعالیت‌ها بابت «تأمین نیازمندی‌های طبیعی و دنیوی و ارضای غراییز حیوانی است» و برخی دیگر در مسیر «تأمین منافع و مصالح اجتماعی و جلوگیری از فساد و هرجومرج» صرف می‌شود. هنوز فعالیت‌هایی نیز صورت می‌پذیرند که هدفشان «رسیدن به سعادت ابدی و کمال معنوی و روحی» است. از گروه اول نمی‌شود انتظار داشت که فراتر از سطوح مادی و جسمانی منشأ ارزش و ارزش‌گذاری حقیقی و راستین باشد. لیکن گروه دوم و سوم خاستگاه ارزش و معیار روشنی برای ارزش‌گذاری بهشمار می‌روند. در این میان، «بالاتر از همه این است که انگیزه رفتار، رسیدن به کمال حقیقی انسان باشد که مصدق آن از نظر بینش اسلامی همان قرب خدای متعالی است». (همان: ۲۴۹)

در مجموع، «یک جامعه، وقتی ارزش دارد و محترم است که هماهنگ با هدف کلی آفرینش سیر کند و نظام رفتاری و آیین زندگی اش وقتی محترم است که در جهت تکاملش باشد و یا دست‌کم، بر ضد تکامل آن جامعه و مانع تعالی آن نباشد». (مصطفی‌یزدی، ۱۳۹۱ج: ۳ / ۴۱)

در حقیقت، این اسلام و باورهای ایمانی است که «به حرکت انسان بهسوی کمال مطلق و قرب الهی جهت می‌دهد و هدایتگر وی در همه شئون زندگی است.» بر اساس این، هر انگیزه و رفتاری که «در جهت اطاعت از خداوند و کسب رضای او انجام پذیرد، ارزش پیدا می‌کند». (مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۳ ب: ۴۷)

۲-۲-۳. استنادپذیری به آیات محاکمات قرآن معيار حقيقی بودن ارزش‌ها
 آیات «محاکمات قرآن» یعنی آن دسته از آیات - «که معانی آنها روشن است و معارف آنها قابل تردید نیست» - از جمله معيارهایی است که قرآن در برابر متشابهات بر اهمیت نقش آن به مثابه اساس قرآن (أُمُّ الْكِتَاب) در بازنمایی و تبیین و اعتبارسنجی ارزش‌های راستین تأکید می‌ورزد. (آل عمران / ۷) هنگامی که به آسانی و با فهم و درک روشن برگرفته از بصیرت دینی بتوان ارزش‌های والای الهی - انسانی را به آیات قرآن استناد داد و بر آنها تأکید ورزید، استنادی این چنین معيار روشنی برای اعتبار ارزش‌ها در سطح و مستوی ارزش‌های راستین و حقيقی خواهد بود. از این منظر آیاتی که اصول و امehات معارف قرآن را به روشنی تمام بیان می‌دارند در حقیقت معيار و ملاک درستی و نادرستی «معارف دینی» قرار می‌گیرند. (مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۰: ۹۱)

۳-۲-۳. التزام به ولايت الهي معيار متعالی بودن ارزش‌ها
 از میان تمامی معيارهایی که درمورد ارزش و ارزشگذاری عنوان گردیده‌اند معياری به قوت و اهمیت ولايت الهی نمی‌توان یافت. به عبارتی، چه بسا بتوان ولايت الهی را وجه مشترک همه معيارها و ارزشگذاری‌ها برشمرد. در همین رابطه حاملان ارزش‌ها، از جمله گروههایی که قرآن به وجودشان تصریح فرموده است بهویژه پیامبران، صدیقان، شهداء و صالحان با سلسله مراتبی که دارند همه دارای وجه مشترکی چون التزام به ولايت الهی به مثابه نعمت معنوی و پایدار می‌باشند.

افزون بر این، اینان چهار گروه الگو برای کسانی هستند که مشتاق‌اند بر صراط مستقیم حرکت کنند. «پس اگر کسی خواهان چنین مقام بلندی است، راهی جز این ندارد که در مسیر آنان گام نهد.» درواقع، پیامبری، صدیق بودن، صالح بودن و شهادت - به هر دو معنای شهید شدن در راه خدا و گواه اعمال و رفتار مردم بودن - از جمله چهار ویژگی ممتاز هستند که بابت برخوردار شدن از نعمت

هدایت ویژه الهی لزومی ندارد حتما در یک فرد انسانی جمع شده باشد؛ بلکه کافی است وجه اشتراک حاملان این ویژگی‌ها به خصوص در پذیرش ولایت الهی مورد توجه قرار گیرد. بدین ترتیب، باید توجه داشت که ویژگی‌های چهارگانه‌ای که بر شمرده شده، وجه مشترکی دارند که می‌توان آن را معیار و رمز آن ویژگی‌ها و خصایص عالی قرار داد تا در پرتو اتصاف به آن، شخص بتواند به مقامات عالی پیامبران، صالحان، راستان و شهیدان نزدیک شود. با استفاده از قرآن و روایات به این نتیجه می‌رسیم که جامع مشترک بین ویژگی‌های ذکر شده، سروکار داشتن و ارتباط با خداست که در قرآن از آن به پذیرش ولایت الهی تعبیر می‌شود. (مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۳ ب: ۳۱۳)

۴-۲-۳. ایمان و عمل صالح معیار ارجمندی بینش و کنش انسان
انسان متعالی کسی است که در پرتو ایمان و عمل صالح مراتب کمال یافتن را در ناحیه بینش و کنش یکی پس از دیگری طی کرده باشد. چنین شخصی در طول زندگانی خویش هرگز از ساماندهی این دو ناحیه و بهره‌مندی مناسب از آنها دریغ نخواهد ورزید.

به هر طریق، «ملاک ارزش در اسلام، ایمان و عمل صالح است...». (مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۲ ب: ۲۹۰)
چنانچه از باب نمونه انسان به فرازهای دعای مکارم الاخلاق و مضامین بلند آنها توجه ویژه مبذول دارد، در خواهیدیافت که درخواست‌های مطرح در این دعا به یک هرم چهار بُعدی می‌ماند که محورهای چهارگانه ارزش‌های متعالی، یعنی «ایمان کامل، اعتقاد در حد بالاترین مراتب یقین، بهترین نیت خالصانه و ارزشمندترین اعمال»، در چهار بُعد به مثابه وجود جانبی این هرم ترسیم یافته‌اند. به عبارتی، «این، روی بیرونی هرم است. این چهار عنصر ارزشمند در درون هرم با یکدیگر ارتباط دارند و در یکدیگر اثر می‌گذارند و صفات ارزشمند دیگری را به وجود می‌آورند». (همان)
مهماز از ساختار شکلی و عنصری هرم مزبور، جهت خدایی بودن این ساختار است که براساس آن زندگی انسان در همه شئون فردی و اجتماعی به سمت خدا جهت می‌یابد. (ر.ک: مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۳ ب: ۴۷)

۵-۲-۳. نیت معیار انگیزشی ارزش‌ها
آخرین اما نه کمترین، در تمامی موارد ارزش و ارزش‌گذاری افزون بر عمل ارزشی در جایگاه حسن فعلی، این نیت عمل است که در جایگاه حسن فاعلی تعیین‌کننده ارزش مثبت و یا منفی آن کاری است که انجام می‌پذیرد. از این منظر، نیت را باید جزو «مهم‌ترین عامل ارزش‌گذاری» در ساحت‌های گوناگون اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و سایر ساحت‌های ارزشی برشمرد. معیار انگیزشی تا

آنچا شاخص است که «حتی یک کار کاملاً مشخص، ممکن است با دو انگیزه متضاد انجام بگیرد: یک انگیزه، بسیار خوب و یک انگیزه، بسیار بد. هیچ کاری را با صرفنظر از انگیزه انجام آن نمی‌توان ارزش‌گذاری کرد. این حقیقتی است که در بسیاری از فلسفه‌های اخلاق، مورد غفلت قرار گرفته است». (مصطفی‌یزدی، ۱۳۹۱ج: ۳ / ۳۳) بر اساس این، «زمانی عمل انسان بهترین عمل محسوب می‌شود و با ایمان ارتباط پیدا می‌کند که واسطه آن نیت الهی باشد. بهترین نیت‌ها ارزشمندترین اعمال را به دنبال می‌آوردد». (مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۲ب: ۲۹۰) از منظر فلسفه اخلاق اسلامی «ارزش، حدّ نصابی دارد که اسلام کمتر از آن را به حساب ارزش اصلی نمی‌گذارد. نصاب ارزش اسلامی کار، آن است که انگیزه انسان در انجام آن الهی باشد». (مصطفی‌یزدی، ۱۳۹۱ج: ۲ / ۲۹۲)

پیرو برداشت روش‌گرانه از آیات و روایات،^۱ نقش نیت را در ارزش‌گذاری هرگز نمی‌توان نادیده انکاشت. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: اعمال با نیات توأمان هستند و ارزش کار هر شخصی به نیت او بستگی دارد. (منسوب به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق: ۵۳)^۲ بدیهی است ارزش متعالی و مثبت به نیت شایسته و راستین تعلق می‌گیرد. صاحب چنین نیتی بر اساس روایات دارای قلب سلیمانی است که در اثر اخلاص در پیشگاه خدا از گرفتار آمدن به وسوسه‌های منکرات مبرا و پیراسته گشته است. (همان)^۳

۱. «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرُبُكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَيِّلَةً» (إسراء/۸۴)، بگو هر کسی بر پایه شاکله (نیت) خویش رفتار می‌کند، پس پروردگارتن (با اطلاع از شاکله هرکسی) نسبت به (حال و وضع) کسی که به راه هدایت یافته‌تر است داناتر است. برخی روایات «شاکله» را به مفهوم «نیت» گرفته‌اند. از جمله روایتی به نقل از حضرت امام صادق علیه السلام: «إِنَّمَا خَلَدَ أَهْلُ التَّارِيفِ لِأَنَّ نِيَّاتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خَلَدُوا فِيهَا أَنْ يَعْصُوا اللَّهَ أَبْدًا وَ إِنَّمَا خَلَدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّاتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبْدًا فَيَا إِنَّمَا خَلَدَ هَؤُلَاءِ ثُمَّ تَلَقَّوْهُمُ الْجَنَّةُ تَعَالَى قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ أَيْ عَلَى نِيَّتِهِ؛ هُمَّا أهل آتش در آتش همیشه خواهد ماند چرا که نیاشان این بوده که چنانچه در دنیا باقی بمانند نافرمانی خدا بکنند و همانا اهل بهشت در بهشت ماندگارند چرا که نیاشان این بوده که چنانچه در دنیا باقی بمانند همیشه فرامانبر خدا باشند». پس بهواسطه نیت است که این گروه و آن گروه در جایگاه خود برای همیشه می‌مانند. حضرت سپس فرمایش خداوند متعال: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» را تلاوت فرمودند و «شاکله» را به «نیت» تفسیر کردند. (برقی، ۱۳۷۱ق: ۳۳۱/۲)

۲. قالَ الرَّبِّيُّ عَلِيٌّ... إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالْيَتَامَاتِ وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا تَوَى ...

۳. قالَ الصَّافُوقُ عَلِيٌّ: صَاحِبُ الْيَتَامَةِ الصَّادِقَةِ صَاحِبُ الْقُلُوبِ السَّلِيمِ لِأَنَّ سَلَامَةَ الْقُلُوبِ مِنْ هَوَاجِسِ الْمَحْذُورَاتِ يَتَخلِّصُ الْيَتَامَةُ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْأُمُورِ كُلُّهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ لَا يَقْنَعُ مَالٌ وَ لَا بَنْوَنَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقُلُوبٍ سَلِيمٍ؛ حضرت امام صادق علیه السلام نیت راستین دارای قلب سلیمان است چراکه سلامت قلب از وسوسه‌های منکرات به کمک خالص‌سازی نیت در کارها برای خداوند متعال حاصل می‌گردد، همان‌گونه که خداوند متعال از روز قیامت یاد کرد به روزی که مال و فرزندان هیچ سودی نخواهند بخشید و تنها کسی سود خواهد برد که با قلب سلیمان به بارگاه الهی بار یابد.

البته عامل مؤثر در ارزش کار، منحصر در نیت نیست. ممکن است کسی هدف و نیتش خوب باشد، اما راه تحقق بخشیدن به آن را نداند و کار را به گونه‌ای انجام دهد که حتی موجب ضرر مادی و معنوی خودش یا دیگران شود. پس صرف حسن نیت، به تنها یی ملاک ارزش‌گذاری نیست؛ ولی نادیده گرفتن آن نیز در ارزش‌گذاری کار، درست نیست و انسان را از حقیقت دور می‌سازد. (همان)

نیتها در مواردی منجر به گستاخ بین دو عمل از ارزش صفر تا صد می‌شوند. از باب مثال، نمازی که پیرو روایات معراج المؤمن دانسته شده است و انسان نمازگزار را تا تقریباً بی‌نهایت عروج می‌دهد، همین نماز چه بسا انسان را به قعر جهنم بکشاند.

این دو اثر متناقض از یک عمل واحد، مربوط به دو نیت مختلف می‌شود. یک نیت باعث می‌شود نماز، انسان را در ملکوت بالا ببرد، اما همین نماز با نیتی دیگر، انسان را در جهنم سقوط می‌دهد... . این‌چنین است که نیت تا این حد می‌تواند ارزش عمل را تحت تأثیر قرار دهد. از این‌رو معیار ارزش‌گذاری کارهای عبادی و روح عبادت، «نیت» است. مهم این است که عبادت را به چه «انگیزه‌ای» انجام می‌دهیم. (مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۳، الف: ۲۸۱)

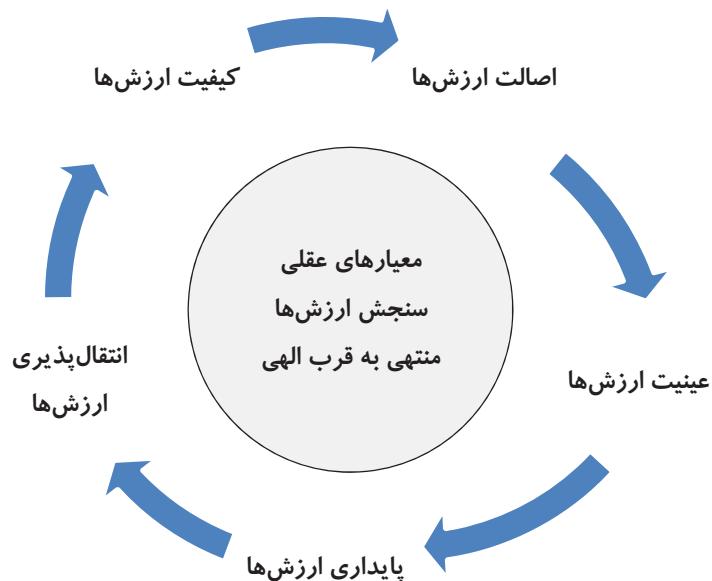
نتیجه

با الگوبرداری از رویه ثابت و ماندگار علامه مصباح در تبیین مفاهیم و مصطلحات در آغاز هر بحث، نخست مفاهیم ارزشی با تمرکز بر برداشت ایشان از مؤلفه‌های بحث تبیین شد، سپس با مراجعه مکرر به آثار مكتوب استاد، معیارهای دهگانه سنجش ارزش و ارزش‌گذاری استنباط و استخراج گردید. لازم به یادآوری است که در هیچ اثری از آثار علامه بحثی به صورت مستقل ذیل عنوان خاص این تحقیق و یا مرتبط با موضوع آن یافت نشد. بدین قرار، هر یک از معیارهای ارایه شده در این مقاله مستند به موارد و مواضع گوناگونی و نه به یک مورد و موضع ویژه از آثار ایشان می‌باشد. برخی از این معیارها به صراحت و برخی دیگر به طور ضمیمی، متناسب با موضوعات و مطالب مطرح در آثار، توسط علامه به بحث گذاشته شده است.

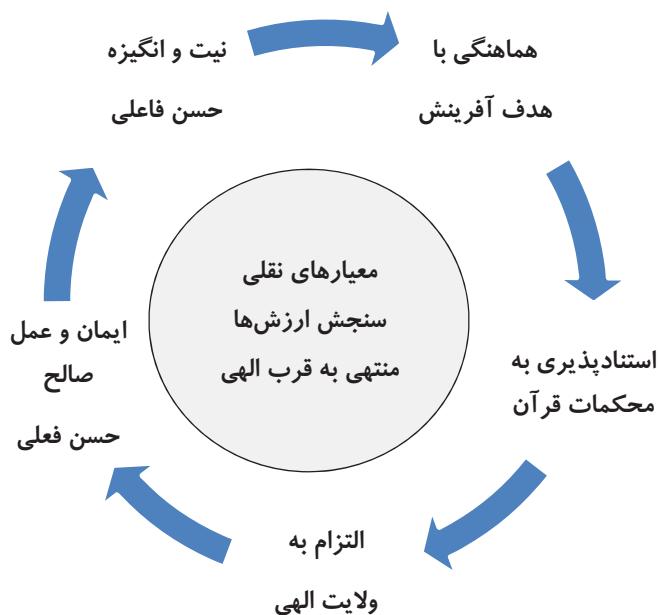
سپر در مجموعه آثار استاد این فرصت بسیار مغتنم را در اختیار نویسنده قرار داد تا با دقت و علاقه خاص در جستجوی معیارهای کلان سنجش ارزش و ارزش‌گذاری از منظر علامه باشد. حاصل این جستجو به تشخیص ده معیار بنیادین در دو رده عقلی و نقلی برای سنجش ارزش‌ها انجامید که بهنوبه خود اهتمام ویژه علامه را نسبت به بحث از ارزش‌ها و معیارهای ارزش‌باعری و ارزش‌گذاری

به نمایش می‌گذاشت. در میان اقران علامه مصباح کمتر شخصیتی را می‌توان سراغ داشت که به اندازه ایشان بر طرح و تجزیه و تحلیل موضوعات و مباحث ارزشی این همه جدیت و عنایت به خرج داده باشد.

در رده‌بندی و ترتیب معیارها نیز نگارنده به الگوی خاصی در آثار استاد دست نیافت. از این‌رو، بر پایه درک و فهم خویش، صرفاً بر حسب معیارهایی که به ماهیت ارزش تعلق دارند و آن را توصیف می‌کنند تا معیارهایی که بهمنزله مصاديق مهم ارزش تلقی می‌گردند اقدام به طبقه‌بندی معیارها نمودم که حاصل آن در طرحواره پیش‌رو انعکاس یافته است. پیرو این طرحواره، معیارهای دهگانه کاملاً در همپوشانی و همافرایی با یکدیگر نقش تعیین‌کننده‌ای را در قلمرو ارزش‌شناسی و تعیین اعتبار و روایی ارزش‌ها ایفا می‌کنند. همان‌گونه که در مقدمه مقاله بیان شد، اعتبار به میزان ارزیدن و بها داشتن ارزش‌ها برای طرح بحث و تجزیه و تحلیل علمی نظر دارد، همچنان که روایی ظرفیت کارآیی و کاربردی بودن ارزش‌ها را معین می‌کند.



طرحواره معیارهای عقلی سنجش ارزش‌ها و ارزشگذاری‌ها



طرحواره معیارهای نقلی سنجش ارزش‌ها و ارزشگذاری‌ها

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ ق، *المحسن*، تحقیق و تصحیح جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامية.
۲. ترکاشوند، احسان، ۱۳۸۶، تحلیل و بررسی منشأ ارزش اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبائی و استاد آیت الله مصباح یزدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳. جان نثاری، حسن، ۱۳۹۱، چیستی و مبانی کمال نهایی انسان از دیدگاه آیت الله مصباح یزدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴. ذوالفقاری، محمد، ۱۳۹۲، فلسفه سیاسی علامه مصباح یزدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۵. کاظمی، حمیدرضا، ۱۳۹۳، برنامه درسی و تربیت اخلاقی با تکاهی بر آثار علامه مصباح‌یزدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۶. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۳ الف، بهسوی او، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۸، آموزش فلسفه، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۸. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۹. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ الف، آفتاب مطهر: زندگی، اندیشه و خدمات علمی و فرهنگی علامه شهید، آیت‌الله مرتضی مطهری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ ب، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۱. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ ج، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۲. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ د، جامعه و تاریخ از تکاه قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۳. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ و، نظریه سیاسی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۴. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ ه به پیشوای خورشید خرب: گزارش سفر آیت‌الله مصباح‌یزدی به اسپانیا و امریکای لاتین، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۵. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴ الف، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۶. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴ ب، پاسخ استاد به جوانان پرسش‌گر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۴۰۰، **مجموعه آثار علامه مصباح**، نرم افزار مشکات، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۳ ب، به سوی تو، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۰، قرآن در آینه نهج‌البلاغه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ ز، آموزش فلسفه، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۲، انسان‌سازی در قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، تحقیق و نگارش شریفی، احمد حسین، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۳. مصباح، مجتبی، بی‌تا، «تحلیل ارزش اخلاقی از منظر استاد مصباح یزدی»، در: جرعه‌ای از کوثر مصباح: مروری بر آندیشه‌های علامه مصباح یزدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۴. منسوب به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ ق، **مصباح الشریعه**، بیروت، اعلمی.